

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۴۲

آیه ۸۰ - ۸۴

آیه و ترجمه

۸۰ و لوطا اذ قال لقومه ائتءتون الفحشة ما سبقكم بها من اءحد من العلمين  
 ۸۱ انكم لتاءتون الرجال شهوة من دون النساء بل اءنتم قوم مسرفون  
 ۸۲ و ما كان جواب قومه الا ان قالوا اءخرجوهم من قريتكم انهم  
 اءناس يتطهرون  
 ۸۳ فاءنجينه و اءهله الا امراءته كانت من الغبرين  
 ۸۴ و اءمطرنا عليهم مطرا فانظر كيف كان عقبة المجرمين  
 ترجمه :

۸۰ - و (به خاطر بیاورید) لوط را هنگامی که به قوم خود گفت آیا عمل شنیعی  
 انجام می دهید که احدی از جهانیان پیش از شما انجام نداده است؟!  
 ۸۱ - آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می روید، نه زنان؟ شما جمعیت  
 تجاوزکاری هستید!  
 ۸۲ - ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند اینها را از شهر و آبادی  
 خود بیرون کنید که اینها افراد متظاهری هستند!  
 ۸۳ - (چون کار به اینجا رسید) ما او و خاندانش را رهائی بخشیدیم  
 جز همسرش که با بازماندگان (در شهر) بود.  
 ۸۴ - و (سپس چنان) بارانی بر آنها فرستادیم (بارانی از سنگ که آنها را نابود  
 ساخت) اکنون بنگر سرانجام کار مجرمان به کجا کشید.

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۴۳

تفسیر :

سرنوشت دردناک قوم لوط

در این آیات، قرآن، صحنه عبرت انگیز دیگری از سرگذشت پیامبران را بازگو  
 می کند و هدف آیات پیشین را تعقیب و تکمیل می نماید، و آن سرگذشت  
 پیامبر بزرگ خدا «لوط» و قوم او است.

این ماجرا در چندین سوره قرآن از جمله سوره «هود» و «حجر» و «شعراء» و «انبیاء» و «نمل» و «عنکبوت» آمده است.

در اینجا در ضمن پنج آیه، به فشرده گفتگوهای لوط و قومش اشاره شده است و چنین بر می آید که در این سوره اعراف تنها هدف این بوده که عصاره‌ای از درگیریهای این پیامبران و گفتگوهای آنان با جمعیت‌های سرکش، منعکس گردد، ولی شرح کامل سرگذشت آنان به سوره‌های دیگر قرآن موکول شده است (ما هم به خواست خداوند مشروح سرگذشت این جمعیت را در سوره هود و حجر خواهیم آورد).

اکنون به تفسیر آیات مورد بحث توجه کنید.

در آیه نخست می‌گوید: «بخاطر بیاورید لوط پیامبر را هنگامی که به قوم خود گفت: آیا شما عمل زشت و ننگینی انجام می‌دهید که احدی از جهانیان تا کنون مرتکب آن نشده است؟! (اءتاءتون الفاحشة ما سبقکم بها من احد من العالمین).

اشاره به اینکه این گناه علاوه بر اینکه خود یک عمل زشت و فوق‌العاده ننگین است قبل از شما در هیچ قوم و ملتی سابقه نداشته است، و این زشتی آن را چند برابر می‌کند، زیرا پایه غلط و سنت شوم و وسیله‌ای برای گناه دیگران در

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۴۴

آینده نزدیک و دور خواهد بود.

از آیه فوق به خوبی برمی آید که این عمل زشت، از نظر تاریخی به قوم لوط منتهی می‌شود که مردمی بودند ثروتمند و مرفه و شهوتران و هواپرست که شرح آن را در ذیل سوره‌هایی که در بالا اشاره کردیم به خواست خدا خواهیم داد.

در آیه بعد گناهی را که در آیه قبل به طور سربسته ذکر شده بود، تشریح می‌کند و می‌گوید: «شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید، و از زنان صرف نظر می‌کنید» (انکم لتاءتون الرجال شهوة من دون النساء). چه انحرافی از این بدتر و بالاتر که وسیله تولید نسل را که آمیزش زن و مرد است و خداوند آن را به طور غریزی در هر انسانی قرار داده، رهاکنند، و سراغ جنس موافق بروند کاری که اصولاً بر خلاف فطرت و ساختمان طبیعی جسم و روح انسان و غریزه تحریف نیافته او است و نتیجه‌اش عقیم ماندن هدف

آمیزش جنسی است، و به تعبیر دیگر، تنها اثرش یک اشباع کاذب جنسی و از بین بردن هدف اصلی یعنی ادامه نسل بشر می باشد، و در پایان آیه به عنوان تاکید می گوید: «شما جمعیت اسراف کارید» یعنی از حدود الهی قدم بیرون گذارده و درسنگلاخ انحراف و تجاوز از مرز فطرت سرگردان شده اید (بل انتم قوم مسرفون).

ممکن است این جمله اشاره به آن باشد که آنها نه تنها در مورد غریزه جنسی راه اسراف را می پیمودند، بلکه در همه چیز و همه کار گرفتار چنین انحراف و زیاده روی بودند.

جالب توجه اینکه آیه نخست، مطلب را به طور سربسته، و آیه دوم به وضوح بیان می کند، و این یکی از فنون بلاغت برای بیان مسائل مهم می باشد، هر گاه کسی کار بسیار بدی انجام دهد سرپرست آگاه و بیدارش برای اهمیت موضوع به او می گوید تو گناه بزرگی انجام داده ای! و هر چه می گوید: چه

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۴۵

کرده ام؟ باز می گوید گناه بزرگی انجام داده ای! سرانجام پرده از روی آن برداشته و آن را تشریح می کند، این طرز بیان فکر طرف را تدریجا آماده می سازد تا به اهمیت عمل خلاف خویش واقف گردد. در آیه بعد اشاره به جواب لجوجانه و غیر منطقی قوم لوط کرده، می گوید: آنها هیچگونه جوابی در برابر دعوت این پیامبر خیرخواه و دلسوز و مصلح نداشتند جز اینکه با خشم و عصبانیت: «گفتند لوط و پیروان او را از شهر خود بیرون کنید، گناهشان چیست؟ گناهشان این است که مردمی پاکند و گناه نمی کنند!» و نه تنها با ما همصدانمی شوند، بلکه مزاحم ما نیز هستند! (و ما کان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوه من قریتم انهم اناس یتطهرون). و این جای تعجب نیست که یک جمعیت آلوده و گناهکار، افراد پاکدامن را به جرم پاکدامنی از خود برانند، آنها چنین افرادی را مزاحم شهوات خویش می بینند، و نقاط قوت و افتخار چنین پاکدامنانی در نظر آنها نقطه ضعف و عیب بود!

این احتمال نیز در تفسیر جمله «انهم اناس یتطهرون» وجود دارد، که قوم لوط می خواستند این پیامبر و پیروانش را متهم به تظاهر و ریاکاری کنند، همانطور که بسیار شنیده ایم و در اشعار خوانده ایم که افراد شرابخوار آلوده

افراد پاک را متهم به ریاکاری می‌کنند، و «خرقه‌آلوده به شراب خویش» را از «سجاده زاهد» برتر می‌شمارند، و این یکنوع تبرئه کاذب است که این آلودگان بدبخت برای خود دست و پا می‌کنند. با توجه به آنچه در سه آیه فوق بیان شد، هر داور منصفی می‌تواند حکم

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۴۶

محکومیت چنین قوم و ملتی را صادر کند که در برابر پند و اندرز منطقی و نصیحت و خیرخواهی یک مصلح بزرگ اجتماعی، تنها متوسل به زور و تهدید و تهمت شوند، لذا در آیه بعد خداوند می‌فرماید «چون کار به اینجا رسید ما لوط و پیروان واقعی و خاندانش را که پاکدامن بودند نجات بخشیدیم جز همسرش که او را در میان قوم تبه‌کار رها ساختیم، زیرا او هم از نظر عقیده و آئین و مذهب با آنان هماهنگ بود» (فانجیناه و اهله الا امرأته کانت من الغابرين).

بعضی گفته‌اند کلمه «اهل» گرچه معمولاً به خویشاوندان نزدیک گفته می‌شود، ولی در آیه بالا به پیروان راستین او نیز اطلاق شده یعنی آنها نیز جزء خانواده او محسوب شده‌اند، ولی بطوری که از آیه ۳۶ سوره ذاریات بر می‌آید هیچ‌کس از قوم لوط جز خانواده و کسان نزدیک او ایمان نیاوردند، بنابراین «اهل» در اینجا به همان معنی اصلی یعنی بستگان نزدیک است. از آیه ۱۰ سوره تحریم اجمالاً استفاده می‌شود که همسر لوط در آغاز زن سر به راهی بود، سپس راه خیانت را پیش گرفت و دشمنان لوط را جرئت بخشید. در آخرین آیه اشاره بسیار کوتاه و پر معنی به مجازات شدید و وحشتناک این قوم کرده می‌گوید: «ما بارانی بر آنها فرستادیم» (اماچه بارانی؟! بارانی از سنگ که آنها را در هم می‌کوبید و نابود می‌کرد) (وامطرنا علیهم مطرا). گرچه در آیه فوق نوع این باران بیان نشده است اما از ذکر کلمه مطرا (بارانی) به طور سربسته روشن می‌شود که از بارانهای معمولی نبوده بلکه بارانی از سنگ بوده چنانکه در آیه ۸۳ سوره هود آمده است.

---

#### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۴۷

«اکنون تماشا کن بین سرانجام کار مجرمان به کجا کشید» (فانظر کیف کان عاقبة المجرمین).

گر چه روی سخن در اینجا به پیامبر است اما پیدا است که هدف عبرت گرفتن همه افراد باایمان می باشد.

مشروح سرگذشت این جمعیت و همچنین ضررهای گوناگون عمل شنیع «لواط و همجنس گرایی» و حکم آن از نظر قوانین اسلام در ذیل آیات سوره هود و حجر بیان خواهد شد.